

زنگ خطر اهواز را باید جدی گرفت!

بلوار گلستان این شهر، يك سلسله انفجارات پی در پی باعث مرگ دست کم ۸ شهروند و زخمی شدن ۴۸ نفر شد.



عبدالله شریفی

بعد از انفجارات ماه اکتبر سال گذشته میلادی این دومین بار است که شهر اهواز شاهد این چنین فاجعه ای میباشد. طبیعی است که هر انسان مسول و شرافتمندی که این خبر غم انگیز را شنیده باشد، سراپای وجودش ملو از خشم و نفرت علیه جنایتکاران اسلامی و کل جریانات تروریست و آتمکش دولتی و غیر دولتی، مذهبی و قومی، بوشی و بلری میشود. مردم مبهوت و بیگناه شهر اهواز، عابران و کسبه، کارمندان و دانش آموزان، بار دیگر مورد هجوم وحشیانه ترین ترور و قصابی واقع شدند.

امروز سه شنبه چهارم بهمن ماه، حدود ساعت ۱۰ صبح در يك سلسله انفجارات هشت نفر از مردم اهواز جان باختند و ۴۸ نفر دیگر مجروح شدند. طبق اطلاعات رسیده از مراکز خبری متفاوت، حوالی ساعت ۱۰ صبح امروز، در بانک سامان واقع در کیانپارس شهر اهواز و نیم ساعت بعد در اداره کل منابع طبیعی واقع در

گفتگوی اکتبر با حسین مراد بیگی (حمه سور)، حول "نزاع اتمی" مردم خطر کاملا جدی است!

عرض چند دقیقه از بین برد. این دولت هر وقت هم به مصلحت خود دانسته است نشان داده است که از هیچ جنایتی علیه بشریت فروگذار نکرده است. طرف جنایتکار دیگر، جمهوری اسلامی است که حدود 26 سال است کارش جنایت و کشتار و ترور انسان است چه در ایران و چه در منطقه و چه در سراسر جهان. جمهوری اسلامی هم نشان داده است که در جنایتکاری و کشتار انسان و قربانی کردن انسانها در راه اهداف پلید و ضد بشری خود دست کمی از حرفش ندارد. تاریخ جنایات این نوره این دو قطب تروریستی، دولت آمریکا و اسلام سیاسی، در



اکتبر:

حمه سور (حسین مرادبیگی) بحران هسته ای حکومت اسلامی در ایران با کشورهای غربی و آمریکا دارد به جاهای پر مخاطره آمیزتری کشیده میشود. جریان چیست و چرا حساسیت نشان میدهند؟ این خطر چقدر جدی است؟

صفحه ۳

اعلام اعتصاب کارگران و رانندگان سندیکای شرکت واحد! (برگرفته از سایت تشکل)

باقی مانده است. لذا اعضای هیئت مدیره سندیکای شرکت واحد تهران اعلام کردند که روز شنبه اعتصاب خواهند کرد و تا رسیدن به خواسته هایشان اعتصاب را ادامه خواهند داد. خواسته های آنها به شرح زیر می باشد. ۱- آزادی بی قید و شرط و فوری منصور اساتلو ۲- انعقاد پیمان ششم و در پایان اعلام کردند که تا رسیدن به خواسته هایشان اعتصاب را ادامه خواهند داد. تشکل سراسری کارگران علیه

بنا به خبر رسیده به تشکل سراسری کارگران علیه بیکاری روز شنبه تاریخ ۸/۱۱/۱۳۸۴ کارگران و رانندگان سندیکای اتوبوس رانی شرکت واحد تهران در راستای خواسته های صنفی خود اعتصاب خواهند کرد. از انجای که به هیچ کدام از خواسته های سندیکای شرکت واحد توجهی نشده است و بارها مسئولین مختلف قول مساعد داده اند که به خواسته ای اعضای سندیکا رسیدگی خواهند کرد. ولی همه این قول و قرار ها فقط در حد حرف

این تعرضات را نباید بی جواب گذاشت! (پیرامون تخریب خانه های مردم در محله فیض آباد سنندج)

آباد را بر سر مردم آن خراب کردند، هست و نیست آنها را ازشان سلب کردند و در این سرمای زمستان بیرحمانه آوارشان کردند. این جنایت کمی نیست. این یک دست درازی آشکار مزدوران جمهوری اسلامی به زندگی و اموال مردم کارگر و فقیر نشین شهر سنندج است. این گرفتن حق مسکن و حق حیات از بخشی از مردم فقیر نشین شهر سنندج است. ابعاد این جنایت آقدر وحشیانه است که همه مقامات از پنیرفتن آن صلب مسئولیت می کنند و به همدیگر پاس می دهند. اخیرا شورای شهر سنندج

و بدون مسکن هستند و هیچ مقامی مسئولیت این تعرض وحشیانه به زندگی و اموال این مردم را به عهده نمی گیرد. هنوز زورگونی می کنند، نه اینکه به خواسته های این مردم آواره جواب نمی دهند، بلکه پیشروانه بقیه خانواده های این محله را نیز تهدید کرده که خانه هایشان را بر سرشان خراب خواهند کرد. این زورگونی آشکار را نباید بی جواب گذاشت و این جنایتکاران را باید سرچاپشان نشاناد. سه هفته قبل مزدوران رژیم اسلامی در شهر سنندج خانه های بیشتر از 100 خانوار در محله معروف به دره سید حسن در فیض



سعيد يگانه

بیشتر از سه هفته از جنایت مزدوران رژیم در شهر سنندج در حق مردم فقیر نشین محله فیض آباد می گذرد و همچنان این مردم آواره

اطلاعیه کمیته کردستان حزب حکمتیست سرمای شدید و قطع گاز مردم شهرهای کردستان را در مضیقه شدید قرار داد ه است!

بیانیه بنیاد یادبود فاطمه بمناسبت اهدای جایزه سال به سلیمان قاسمیانی ص ۴



گروه های گارد آزادی را تشکیل دهید! به گارد آزادی بپیوندید!



آزادی، برابری، حکومت کارگری!

را بلدیوم و میتوانیم دستان مردم را در دست هم بگذاریم. میشود در محل کار و زندگی متحدانه در گروهای گارد آزادی و در شبکه های محلات متشکل شد، میشود امنیت و مراقبت از امنیت مردم را با ابعاد این شبکه ها تامین کرد، به هر میزان دست رژیم و جریانات مذهبی و قومی از کار و زندگی مردم کوتاه شود به همان میزان زمینه این دفاع شفاف تر و ممکن تر میگردد.

باید حول شعار آزادی و برابری با قیام مردم رژیم جنایتکار اسلامی را بر چید. این تها راه کم مشقت و سریع خلاص شدن از کابوس این سناریویی است که زنگ خطر آن در اهواز به صدا در آمده است.

۲۴ ژانویه ۲۰۰۶

گوشه کوچکی از آن اکنون در عراق بر لکران است. راه حل سومی وجود دارد. مردم باید با این تجارب دریافته باشند که رژیم اسلامی خود عاملی مهم در نا امن کردن محل زندگی و کار مردم است. مردم باید خود متحد شوند و با تشکل و اتحاد خود از امنیت محل کار و زندگی خویش دفاع کنند. ممکن است بپرسند چگونه؟ جواب روشن است، حزب ما برای مقابله با این اوضاع



است که گارد آزادی را سازمان داده است، باید با حزب حکمتیست تماس گرفت، ماراه و چاه این کار

سم و زهر لگین خواهد بود که اگر کسی منتظر معجزه ای باشد که کاری بکند.

تلاش دشمنان مردم این است که بعد از این فجایع مردم مرعوب



شده و متنفر را به یکی از دو جبهه تروریستی، به هر شکلی دلبسته کنند. جریانات اسلامی سر به رژیم در این میان برنده این بازی خونین خواهند شد. نهایت کار طرف مقابل آن است که فاشیسم قوم پرستی مانند الاهواز را تقویت کنند. بی تردید هر کدام از این دو راه، کشتاندن مردم در ویرانگرترین سناریوی ضد بشری است که



نه بلر است، قربانیان مردم عادی شهر اهواز هستند، عابریان، دانش آموزان، کارمندان، دست فروشان و غیره از این قابل توجه تر آن است که هدف نه علیه بوش و بلر و نه علیه خامنه ای و احمدی نژاد است. خیلی ساده، هدف جامعه و مردم میباشد. اربع جمع، عقب راندن مردم معترض، ایجاد فضای وحشت و نا امن علیه تک تک شهروندان آن شهر و سایر شهرها و قصبه های ایران میباشد. پس اکنون که میدانیم مردم را اماج این هجوم تروریستی قرار داده اند باید این مردم هم فکر راه چاره باشند، جلوگیری و لگام زدن به این گونه فجایع کار خود مردم است.

برای ما و هراسان شریفی، بعد از غمخواری اسنادوستانه که بدرقه قربانیان این جنایت میشود، بعد فروکش شدن موج نفرت از این فاجعه، بلاخره این سوالات با برجستگی خاصی مطرح خواهند شد. این چه مصیبتی است که نازل شد؟ چکار باید کرد؟ نقطه پایان این بلازدگی کجاست؟ و ...

بندترین حالت زمانی است که مردم را حول گمانه زنیهایی که این ترور کار کیست؟ و از کجا آمده است و به کجا میرود و... منتظر و عارف نگه دارند. قدر مسلم این جنایت میتواند کار خامنه ای و رفسنجانی و احمدی نژاد و خاتمی و هر جانی ریز و درشت اسلامی باشد، میتواند کار فاشیسم قومی و میتواند دسیسه سیا و پنتاگون و ام.بی. افی، انگلیس و یا هر آلمکنشی از این دست باشد. قربانی این جنایت اما، نه احمدی نژاد، و

روزی بعد ... این شتر در خانه بقیه خوابیده است. نباید اجازه داد این دست درازی ها ادامه یابد. این یک زور آزمایی رژیم با مردم است. دارد اوضاع را برای تعرض های بعدی می سنجد. روزی خانه را بر سر مردم خراب می کنند و روز بعد همین کتافته به نام امت حزب الله فعالین جنبش های اجتماعی و مدنی را به مرگ تهدید می کنند.

مردم، این جنایت در شهری اتفاق افتاده که علیه علمین آن در همین شهر اعصاب عمومی یکپارچه بر گزار شده است. در شهری که هیچوقت مردم آن چه امروز و چه در گذشته در مقابل رورگونی های رژیم سلطنت نهنشته اند. کارگران، دانشجویان، زنان، نهادهای مدنی و اجتماعی، مردم آواره را تنها نگذارید. به کمک آنها بشتابید. آنها را در اعتراضات خود همراهی کنید و با تجمع قدرتمند خود جلو استناداری و نهادهای مربوطه

۲۲ ژانویه ۲۰۰۶

فردا محلات دیگر در معرض دست درازی اوباشان رژیم قرار خواهند گرفت. اگر در طول این سه هفته این خانواده ها بارها در جلو استناداری برای پیگیری خواستههایشان تجمع کرده اند و هر بار با وعده و وعید آنها را به سر برنده اند با تجمع وسیع محلات شهر سندانج روبرو بودند اکنون کار به این موقعیت نمی کشید. ونه تنها این، بلکه جرات نداشتند که مردم ناپس را نیز تهدید به جنین اعمالی کنند. این کار را مردم سندانج می توانند انجام دهند. می توانند با اعتراض و حق تجمع یقه مسئولین را بگیرند و حق این مردم را از حلقومشان بیرون بکشند. مردمی که آواره شده اند به تنهایی قادر به این کار نیستند. آنها احتیاج به حمایت وسیع مردم دارند. اگر امروز جلو این جنایتکاران را نگیرند، فردا همین بلا را بر سر خانواده های دیگر خواهند آورد. امروز محله فیض آباد، فردا ناپس

و زبونی و در محاصره نفرت میلیونی مردم در داخل و خارج کشور قرار گرفته و به خودش اجازه می دهد این طور با مردم رفتار کند و دست به چنین اقدامی می زند، آنهم در شهری که هر نوع تعرض رژیم را مردم با اعتراض وسیع و کوبنده جواب داده اند. اینکه جمهوری اسلامی آشکارا به خودش اجازه می دهد خانه های مردم را بر سرشان خراب کنندو مردم شهر سندانج در مقابل این عمل وحشیانه سکوت اختیار کنند نه تنها مسله مردم فیض آباد را در معرض خطر جدی قرار داده است بلکه تمام مردم شهر را در موقعیت و موازنه بندتری در مقابل رژیم قرار خواهد داد. منطق این جانیان این است که اگر تعرضشان جواب نگیرد، به تعرضات گسترده تری دست خواهند زد. از هم اکنون تهدید خانه خرابی بر سر مردم محله ناپس است، فردا تققان و پس

پیامون محله فیض آباد... اژص ۱

برای توجیه جنایتی که مرتکب شده اند طی اطلاعیه ای با عنوان (مافیای زمین در سندانج از هم می پاشد) عنوان کرده که با بت این زمینها تعدادی سواستفاده کرده و این زمین ها زدگی توسط مافیای زمین به فروش رسیده اند. این ها همه بهانه اند. به این مردم چه ربط دارد!! تازه بر فرض اینکه درست باشد، کسانی که این کار را کرده اند از مزدوران و مفتخوران خود استناداری و دست اندرکاران نهادهای و شورای شهر سندانج است که دست به جنین اعمالی زده اند، چرا مردم فقیر و ندر که با هزار ببدختی سر پناهی به هم زده اند باید چوب آن را بخورند و تلوان آن را پس بدهند. استناداری شهر سندانج بقیه خانواده های این محله را تهدید به خراب کردن خانه هایشان کرده است. رژیمی که در اوج ضعف

تشکل سراسری کارگران علیه بیکاری
Tskbikar@yahoo.com
www.tashakol.com

تمام مردان و زنان آزادیخواه در سراسر جهان می خواهد که از اعصاب و اعتراض کارگران شرکت واحد حمایت و پشتیبانی نمایند.

سندیکا و رفع اتهام از تمامی اعضای هیئت مدیره سندیکای شرکت واحد می باشد و از تمامی اعضای خود و کارگران و تمامی نهادهای کارگری و مدافع حقوق انسان و

بیکاری ضمن حمایت و پشتیبانی از خواسته های بر حق کارگران شرکت واحد خواستار آزادی فری منصور اسانلو و باز شدن درب



به کمپین جهانی برای آزادی اسانلو و سایر در بندان شرکت واحد بپیوندید!



اساس سوسیالیسم انسان است. سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار به انسان است

گفتگوی اکتبر با حسین مراد بیگی ... از ص ۱

منطقه و در جهان و در ایران علیه مردم بی گناه و بی دفاع و بی خبر، نیز چیزی جز این به "بشریت متمدن" نمیگوید. تقابل این دو اردوی جنایتکار بر سر سلاح هسته ای جدی است و خطر آن برای مردم و جامعه ایران نیز کاملاً جدی است. هر نوع خوشحالی در این مورد و دست کم گرفتن آن، لطمات جبران ناپذیری به مردم و جامعه ایران وارد خواهد ساخت. متوجه کردن جامعه و مردم ایران که این خطر کاملاً جدی است مهمترین بخش ارزیابی و تحلیل از این دعوی کنونی است که میان دو طرف جنایتکار آن، ادامه دارد.

دولت آمریکا و دول غربی اسلام سیاسی مسلح به دندان تومی را در خاورمیانه تحمل نخواهند کرد و حکومت اسلامی نیز برای دست یافتن به سلاح هسته ای لبثتی از نابودی مردم در ایران و در منطقه ندارد. مسابقه برای مسلح شدن به سلاح هسته ای یکی از نتایج مخرب حمله دولت آمریکا به عراق است که منطقه را با ناامنی کامل روبرو کرده است. یکی میخاهد انحصار سلاح هسته ای را دست خودش نگهدارد و دیگری به خاطر حفظ قدرتی اسلام سیاسی، بطور جدی برای دست یابی به سلاح هسته ای در تلاش است. این تقابل تا چشم بازکنی میتواند ایران و منطقه را در یک جنگ ویرانگر تمام عیاری فرو ببرد. اکنون این تقابل در حد تهدید و جنگ لفظی و به معنایی دقیقتر در جنگ روانی طرفین علیه همدیگر خلاصه شده است. دولت آمریکا تهدید میکند که این مساله را به شورای امنیت ارجاع خواهد داد. حکومت اسلامی نیز متقابلاً تهدید میکند که در این صورت غنی

سازی اورانیوم را در حد کامل آن شروع خواهد کرد. و هر دو طرف بویژه دولت آمریکا به علت مشکلاتی که واقعی است و با آن روبرو هستند، فعلاً کار دیگری جز این از دستشان ساخته نیست. دولت آمریکا در باتلاق عراق گیر کرده است و جمهوری اسلامی که اکنون بر عراق مسلط است میتواند در عراق انگولک کند و فشار دولت آمریکا علیه خود را عقب بزند. حمله دولت آمریکا به عراق تنها "خیر و برکت" بود برای اسلام سیاسی در ایران و در منطقه و سیاه چالی شد برای مردم عراق. در نتیجه از دولت آمریکا فعلاً کاری جز تهدید و جنگ روانی علیه جمهوری اسلامی ساخته نیست. ترس واقعی جمهوری اسلامی نیز از توده میلیونی مردم سرنگونی طلبی است که از جمهوری اسلامی بیزارند، در کمین نشسته اند تا فرصتی دست دهد بریزند روی حکومت اسلامی و آترا از تخت به زیر به کشند. ترس جمهوری اسلامی از این مردم است. می ترسد که این مردم را از پائین تحریک کنند و به سرعت از هم به پاشد. به این دلیل جمهوری اسلامی نیز چنین وانمود میکند که میخاهد انعطاف نشان دهد. جمهوری اسلامی در عین حال از این وضعیت و از حفظ جو تشنج و بحرانی فعلی کاملاً استقبال میکند و از این بابت خوشحال هم هست. زیرا که کفگیر اسلام با خمینی و خامنه ای و رفسنجانی و خاتمی و احمدی نژاد به ته بیگ خورده است و جمهوری اسلامی را راهی از بحران اقتصادی و سیاسی و فرهنگی که دامنگیر آن است، ممکن نیست. جمهوری اسلامی به خیال خود با این بحران سازی مانند دیگر بحران سازیها به امید دست یافتن به سلاح هسته ای و از این طریق تحمیل خود به دولت آمریکا و دول غربی و ادامه حکومت زور بر مردم ایران، بهره

برداری میکند. اما هیچ کس نمی تواند تضمین کند که این جنگ و تهدید لفظی فعلی، حال بر اثر هر رویدادی، به سرعت سیر صعودی پیدا نکند و به شروع یک جنگ ویرانگر تمام عیاری میان دولت آمریکا و متحدین او و حکومت اسلامی تبدیل نشود. اگر مردم ایران این خطر را که اکنون بالای سرشان چرخ میزند کاملاً جدی نگیرند، سرشان را با پائین بیاندازند که به بینند چه خواهد شد، جامعه و مردم ایران دچار فاجعه ای خواهد شد که عراق در مقابل آن بازی بچه گانه ای بیش نخواهد بود. تنها راه جلوگیری از این فاجعه و به شکست کشاندن تقابل این دو دولت جنایتکار و سرنگونی و انهدام کامل جمهوری اسلامی از طریق قیام عمومی و قهرتند مردم ایران است. در این صورت مردم و جامعه ایران از خطر یک جنگ ویرانگر بین این دو قدرت جنایتکار، و از دست سران جنایتکار جمهوری اسلامی که مردم ایران را ذله کرده اند رهایی خواهند یافت. هرگونه دست کم گرفتن این خطر از جانب مردم و یا در پیش گرفتن حالت انتظار، دودش قبل از هر کس به چشم مردم ایران و آینده فرزندان این جامعه خواهد رفت.

اکتبر:

تعکاس این وضعیت در میان نیروهای سیاسی پوزیسیون ایران و از جمله احزاب و گروههای ناسیونالیست و قومی کرد را چگونه می بینید و مردم چکار باید بکنند؟

حما سور:

نیروها و جریانهای هستند که روی این وضعیت سرمایه گذاری کرده اند. این مساله تنها احزاب و گروههای ناسیونالیستی و قومی کرد را در بر نمیگیرد. از هم

خواهد شد. تنها راه نجات از این وضعیت و از فاجعه ای که در انتظار مردم و جامعه ایران است، همانطور که پیشتر گفتیم، سرنگونی کامل جمهوری اسلامی است. اوضاع فعلی و خطر جدی ای که هم اکنون بالای سر مردم و جامعه ایران چرخ میزند، باید سرنگونی جمهوری اسلامی را در دستور روز مردم سرنگونی طلب ایران قرار دهد. این کار امکان پذیر است، جمهوری اسلامی با فشار متحد و همبسته ما و مردم ایران به سرعت به سمت فروپاشی میرود. دستتان را در دست ما بگذارید. به ما به پیوندید. به گارد آزادی به پیوندید تا با هم، هم جمهوری اسلامی را سرنگون کنیم و هم مدنیت جامعه را در مقابل نیروهای سناریو سیاهی حفظ کنیم. هر نوع تغل و چشم انتظار ماتن و به بنیم فردا چه خواهد شد، یا رفتن میان معادلات این یا آن طرف جنایتکار، چه جمهوری اسلامی و چه دولت آمریکا، لطمات جبران ناپذیری را به مردم و جامعه ایران و نسلهای بعدی تحمیل خواهد کرد. باید جمهوری اسلامی را انداخت. با وجود جمهوری اسلامی جامعه و مردم ایران نه تنها خواب راحت نخواهند داشت که فاجعه پشت فاجعه که اکنون دارد با صدای بلند در خانه همه را میزند، جامعه و مردم ایران را در خود فرو خواهد برد. تنها راه نجات از این آینده ای که در انتظار جامعه و مردم ایران است، سرنگونی و انهدام کامل جمهوری اسلامی است. برای آن باید دست به کار شد.

24 ژانویه 2006

این وضعیت و این خواب و خیالهای جنایتکارانه به مردم ایران میگوید که خطر کاملاً جدی است. ادامه حیات ننگین جمهوری هر روزش پیرای مردم سرنگونی طلب ایران به بهای ضایعات سنگین و جبران ناپذیری تمام

ضمیمه اکتبر ۷۳ تحت عنوان (ناسیونالیسم کرد و "جمهوری مهاباد" منتشر شد!)

ضمیمه اکتبر ۷۴ در جواب به تحریفات شعیب ذکریایی بزودی منتشر میشود!

کمونیست هفتگی، روزهای جمعه منتشر میشود.

کمونیست را بخوانید، تکثیر کنید و بدست دوستان و آشنایان خود برسانید!

فعالین کارگری جرمی مرتکب شده اند، از حق خود دفاع کرده اند. احکام زندانی کردن فعالین کارگری باید بدون قید و شرط لغو گردد. به کمپین دفاع از فعالین کارگری بپیوندید!



زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

مرگ بر جمهوری اسلامی!

سرمای شدید و قطع گاز مردم شهرهای کردستان را در مضیقه شدید قرار داده است!

که مناسب میدانید علیه این وضعیت اعتراض کنید. تنها اعتراض قدرتمند ماست که در رفع این مشکلات و در مجبور کردن جمهوری اسلامی به قبول مسولیت این فلاکت میتواند موثر باشد.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

۲۹ دیماه ۱۳۸۴ - ۱۹ ژانویه ۲۰۰۶

نفت و گاز در جهان است، لکه ننگی بر پیشانی جمهوری اسلامی است. این اوضاع و ادامه آن مایه نگرانی جدی است و میتواند باعث شایع شدن انواع بیماریها شود. سران جنبانکار جمهوری اسلامی در مقابل این مشکلات که دامنگیر ماست و خود و کورکنانمان را تهدید میکند، نه تنها مسولیتی نمیپذیرند بلکه فرصتی برایشان است تا مواد سوختی و وسایل گرماده را با چند برابر قیمت به فروش برسانند. این توحش افسار کسیخته و این شرایط غیر انسانی را نباید قبول کرد. تنها راه مقابله و اعتراض دسته جمعی ما به این وضع است. تامین نفت و مواد سوختی و رفع مشکل گازرسانی وظیفه دولت است. با اعتراض خود در محلات مختلف، در مقابل مراکز دولتی و در هر کجا

گاز نفت میدهند و آن هم بسیار کم است و کفاف نمیکند و تازه باید در این سرمای شدید منتهادر صف نفت هم منتظر شد. بسیاری از مردم مجبور شده اند قسمتی از منزل خود را خالی و با هم بخوابند تا بتوانند از عهده این وضع بر آیند. مردم از این وضع به تنگ آمده اند و بسیار عصبانی هستند. بعضی از مدارس در شهر سقز که سردتر میباشد به دلیل نبود گاز تعطیل شده اند. مقامات مسئول رژیم قول داده اند تا روز جمعه ۳۰ دیماه این مشکل را حل کنند ولی تاکنون خبری مبنی بر رفع مشکل و اقدامی جدی به چشم نمیخورد. زنان، جوانان، مردم کمبود گاز و مواد نفتی برای مردم محروم در مملکتی که یکی از تولیدکنندگان بزرگ

سرمای شدید و قطع گاز مردم شهرهای کردستان را در مضیقه شدید قرار داده است!

اکنون چند روز است گاز بسیاری از محلات مختلف شهرهای سقز، بوکان، سردشت، مهاباد و اشنویه قطع است. هوا بسیار سرد است و مردم با مشکلات زیادی روبرو هستند. در سقز بحث این است که هوا تا ۴۰ درجه زیر صفر رفته است. وسایل گرماده نفتی که تنها راه برای نجات از این وضع است بشدت گران شده است. گاز که در بسیاری از محلات این شهرها قطع است و نفت هم به اندازه کافی به مردم نمیرسد. در مهاباد نفت را کپنی کرده اند، در سقز و سردشت و بوکان بجای گاز در مقابل کارت

بیانیه بنیاد یادبود فاطمه بمناسبت اهدای جایزه سال به سلیمان قاسمیانی

از آتموقع به بعد سلیمان قاسمیانی به مبارزه اش علیه قتل ناموسی ادامه داده و هیچگاه قبول نکرده است که جامعه و سیستم حقوقی آن بین مردم بخاطر پیشینه منقوت، تبعیض قائل شود.

سلیمان قاسمیانی از طرف بنیاد یادبود فاطمه برای دریافت جایزه سال ۲۰۰۶ به مقدار ۲۵۰۰۰۰ کرون سوئد، انتخاب شده است.

هیئت رئیسه بنیاد یادبود فاطمه
استکهلم ۲۰ ژانویه ۲۰۰۶



فلسطینی مسیحی توسط پدرش به خاطر عشق شدنش به یک پسر مسلمان، پرداخت آنچه آتموقع موجب برانگیزن سلیمان قاسمیانی شد، حکم دادگاه لیندسبری بود که بجای قتل عمد، قاتل را به قتل غیر عمد محکوم کرد و از فرهنگ عربی بعنوان زمینه قتل اسم میبرد. ما اینجا گوشه ای از سخنان سلیمان قاسمیانی را نقل میکنیم: "چرا فرض بر این گذاشته شده است که در زانگاه قاتل نرهای فرهنگی آلترناتیو که میتوانست او را بجای قتل دخترش به فکر دیگری بیاندازد، وجود ندارد؟"

گزارش تصویری از برگزاری سالگرد قتل فاطمه شاهیندل در سوئد

هیئت رئیسه "بنیاد یادبود فاطمه" جایزه سال ۲۰۰۶ فاطمه شهیندل را به سلیمان قاسمیانی اهدا میکند. سلیمان قاسمیانی خیلی زود وقوع قتلهای ناموسی در سوئد و تخفیف در احکام قضایی را در این رابطه مورد توجه قرار داد. در این رابطه سلیمان قاسمیانی از سال ۱۹۹۴ با درج مقاله ای در روزنامه صبح "یوتوری پستن" در رابطه با قتل یک دختر

تبریک و قدردانی از سلیمان قاسمیانی

روژنامه "اکسپرسن" امروز این نامه سرگشاده را در صفحه مقالات خویش چاپ کرد.

نقش مرکزی اول کودکان
۲۰۰۶, ۰۱, ۲۱

خشونت ناموسی قلم زدند. عصر همان روز سلیمان قاسمیانی در مراسم گرامیداشت یاد فاطمه در میدان سرگستوری در استکهلم شرکت کرده و سخنرانی کوتاهی ایراد کرد. پس از آن سلیمان قاسمیانی به همراه سارا محمد نامه سرگشاده ای را در رابطه با "خشونت ناموسی و وضعیت حاضر" به وزیر مدارس سوئد ابراهیم بایلان که در مراسم شرکت کرده بود، دادند.

برابری طلبی است و فعالیتهای ما را چندین گام به جلو خواهد برد. سلیمان قاسمیانی در همان روز در پارلمان سوئد حضور داشت و در رابطه با مضرات مدارس مذهبی برای کودکان به سخنرانی پرداخت و خواهان ممنوعیت این مدارس شد. در همین روز رادیو سراسری سوئد با سلیمان قاسمیانی مصاحبه داشت. روزنامه های سوئد همگی این خبر را درج کرده و در مورد

روز جمعه ۲۰ ژانویه امسال سلیمان قاسمیانی، نویسنده و شاعر، عضو هیئت امنای اول کودکان و دبیر اول کودکان در سوئد جایزه سال ۲۰۰۶ "بنیاد یادبود فاطمه" را بخاطر تلاشهای بیوقفه اش علیه خشونت ناموسی دریافت کرد. ما از صمیم قلب دریافت این جایزه را به سلیمان قاسمیانی تبریک میگوییم. اهدای این جایزه یک پیروزی برای جنبش

نه هویت قومی، نه هویت مذهبی، زنده باد هویت انسانی!

تماس با ما:

دستیار سردبیر: اسماعیل ویسی
esmail.waisi@gmail.com

دبیر کمیته کردستان:
h_moradbiegi@yahoo.com
Tel: 0046762737560

سردبیر:
sharifi_abdollah@yahoo.com
Tel: 00467365226

به حزب کمونیست کارگری-حکمتیست پیوندید!